

((ما توانایی نبرد در دو جبهه را نداریم))

((اگر این ملا هست و این مکتب ، حال طفلان خراب میبینم))

در زمره ی اسنادیکه ویکی لیکس پیرامون افغانستان پخش نموده است یکی هم اظهار عجز و بیچارگی دولت مردان این کشور از جنگیدن در دو جبهه میباشد . ویکی لیکس افشا کرده است که وزیر خارجه ی پیشین افغانستان ، داکتر رنگین دادفر اسپنٹا به مقامات آمریکایی گفته است که دولت افغانستان نمیتواند همزمان در دو جبهه ، یکی با مخالفینی که از جانب ((آی ، اس ، آی)) پاکستان حمایه میشوند و دو دیگر دست اندازی و مداخلات دولت اسلامی ایران که مخالفین مارا کمک مادی و معنوی مینماید ، بجنگد . این اظهارات در حالی صورت میگیرد که روابط ایران با دولت مردان کابل آنقدر صمیمی؟! است که ((جیب خرج)) رییس جمهور و دیگر رجال دولتی از جانب آنکشور پرداخته میشود .

به گمان من مشکل کار ، نبود یک دولت ملی - مردمی و زمامداران پاک نفس و بی ترس از دشمن است . پاکستان بمثابه ایجاد گر گروه طالبان به هدف پیاده کنندگان پلان های ستراتیژیک نظامیگران آنکشور ، در راس دستگاه جهنمی ((آی ، اس ، آی)) سر مایه گذاری کرده است و طالبان همچون ملیشاهای پاکستان به امر آنکشور پویا هستند . و ایران به حکم تاریخ هیچگاهی به کشور و مردم افغانستان به نظر حسن نیت ندیده و نخواهد دید . درین گستره که کشور از چهار طرف توسط دشمنان بوقلمون احاطه شده است (وگر گاهی یکی از آنها ((دلبری)) میکند ، نه بخاطر ((گل روی)) ماست ، بلکه برای ((مطلب)) خود دلبری میکنند) مشکل اصلی زمامداران دولت گونه ی کابل ، نبود یک ستراتیژی و سیاست روشن ملی ومیهن پرستانه ، هم در کنشهای درونی (داخلی) وهم در اتخاذ پالیسی در کنشهای بیرونی (خارجی) ، می باشد .وتازمانیکه آن ستراتیژی و سیاست شفاف و روشنیکه مردم از آن آگاه باشند ، طرح و پیاده نشود نه تنها که کاری از پیش برده نخواهد شد بلکه همین گونه آله ی دست و دست نگر دیگران منجمله همسایه ها که هستیم ، خواهیم بود .

در آغاز دهه ی چهل خورشیدی که سردار محمد داوود در راس حکومت افغانستان قرار داشت در یکی از مجالس وزرا ، مسوولین به اطلاع رسانیدند که حکومت ایران حاضر است سیتروس مارا به قیمت بالاتر خریداری نماید ، سردار بمثابه انسان نترس و میهن دوست این پیشنهاد را رد نموده و گفته بود که این پیشنهاد باحسن نیت نی بلکه یک تفتین آشکارست که با یکبار خریداری کمی بالاتر میخواهند مشتری دایمی مارا از ما بگیرند و آنگاه ما مجبور باشیم که به قیمت بسیار پایینتر از امروز سیتروس حاصله ی کانال نگرهار را بالایشان بفروش برسانیم . دشمن با اینکار خود دو هدف را بایک تیر میزند نخست دوستانرا از ما میراند و پس ازان ما باید نسبت نداشتن خریدار دیگر ، محصولات خود را بقیمت دلخواهشان بالایشان بفروش برسانیم . اینست یک نمونه ی روشن سیاست مستقل و شفاف ملی .

پرداختن جیب خرچ (رشوه) به مسوولین به شمول رییس جمهور، وزراء، وکلا و رییس مجلس و دیگر بلند پایگان دولتی و کمک های شخصی بیرون از کانال های رسمی از جانب ایران نیز بخاطر ((گل روی)) کرزی و شرکا، نه بلکه بهدف بدست آوردن امتیازات سیاسی و اقتصادی، صورت گرفته و میگردد. دولت ایران با این پرداخت هاییکه در سطح دولت ها خیلی ناچیز است، نه تنها امتیازاتیرا که بالاتر از ملیاردها ارزش دارد، بدست میآورد، بلکه باین کنش مزورانه، سوی تفاهمات جدی ایرا بین دولت افغانستان و دوستان بین المللی ایکه باخون و ثروت آنرا یاری میرسانند، ایجاد کرده و ایجاد میکنند.

ملا های مزور و چالباز قمی، با همین بازیهای شان توانسته اند که چند هدف را با یک تیر بزنند. دولت مردان مسلط بر کابل را ((سر خم)) و ((دهن پر آب)) ساخته، وسیله ی پیاده ساختن اهداف کوتاه و بلند مدت خویش قرار دهند، امتیازات بزرگ اقتصادی و سیاسی خارج از انتظار بدست آورند. و هرزمانیکه خواسته باشند بدون هراس این کشور را گوشمالی دهند. متوقف ساختن تانکر های تیلی را که درین کشور ضرورت حیاتی به آن وجود دارد، میتوان نمونه ی روشن آن دانست. درین راستا ایران انتقام توهین های تاریخی خود را نیز از افغانها گرفته و میگردد. آیا توهینی بالاتر ازین که معاون اول رییس جمهور یک کشور برای گرفتن اجازه ی حرکت چند عراده تانکر به تهران برود وجود دارد؟

توهین آمیز تر اینکه، عذر و زاری آن مقام نیز پذیرفته نشده و تا حال تانکر ها اجازه ی حرکت نیافته اند. اینست نتیجه ی نخستین و کوتاه مدت جیب خرچ و رشوه گیری از بیگانگان. لذا ((عاقبت بخیر)).

آخذ های قمی به سرکردگی شهید زنده (ملا خامنه یی) افغانستان را مستعمره و مردمش را غلامان خود می انگارند. اگر چنین نیست سردمداران رژیم آخذی یورش وحشیانه، غیر انسانی و ظالمانه ی سپاه بد نام و خونخوار پاسداران را بالای افغانان غیر مسلح، بیگناه و مظلوم چگونه توجیه میکنند؟ نمادهای دلخراش زخمی و کشته شدن بیگناهان و لجنخند های پیروزمندانه ی؟! اوباشان سرحدی ایران، رسواگر ماهیت غیر انسانی رژیم آخذی بوده میتواند و بس. همچنان این رویداد و رویداد های مشابه پیش از آن به سردمداران دولت گونه ی کابل میفهماند که بر روابط برده مآبانه ی خود با دولت آخذی تجدید نظر نمایند.

با این حال وبا این احوال روشن است که در دو جبهه نی که در یک جبهه نیز نمیتوان رزمید. وگر پروسه بهمین منوال ادامه یابد، آینده ی بسیار تاریک و خطیر انتظار کشور و مردم مارا میکشد.

((اگر این ملا هست و این مکتب، حال طفلان خراب میبینم))

پایان